

Submit Date: 22 June 2025

Revise Date: 01 September 2025

Accept Date: 09 September 2025

Publish Date: 22 June 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Explanation of the Nature of General Obedience (Tamkin-e 'Aam) and Its Impact on Spiritual Health in Society from the Perspective of Islamic Law

Neda Taheri*¹, Masoud Raei Dehghi²

1. Level 4 student, Mojtahedeh Amin Specialized Seminary, Isfahan, Iran.

2. Department of Law Theology and Islamic Studies, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

* Corresponding Author's Email: neda.taheri2026@gmail.com

ABSTRACT

Spiritual health is one of the influential concepts in human societies, and attention to it—alongside the physical health of members of society—as one of the dimensions of health, represents a significant advancement in medical science and psychiatry, playing an essential role in achieving human goals, growth, and perfection. Examining the relationship between spiritual health and the rights and obligations of spouses, and particularly the general concept of obedience (tamkin-e 'aam) and its impact on the spiritual health of society, both in terms of the scope of its definition and its existential philosophy, has given rise to challenges in religiously oriented societies. Based on this issue, the present article is written with a descriptive-analytical approach and through the use of library sources. While acknowledging the international definition of spiritual health alongside the specific functions of the Qur'anic family, it argues that Islamic legal rulings—especially the obligation of the wife to general obedience toward her husband—should not be considered as a risk factor for spiritual health. Rather, this article seeks to address the need for reassurance within Muslim women's communities inside and outside the Islamic Republic of Iran on this matter, in line with realizing one of the criteria of the efficiency of the religious system and protecting women's rights. It ultimately introduces divine foundations as a means for promoting the health of the global community.

Keywords: *Women's rights, wife, tamkin (obedience), spiritual health*

How to cite: Taheri, N., & Raei Dehghi, M. (2026). Explanation of the Nature of General Obedience (Tamkin-e 'Aam) and Its Impact on Spiritual Health in Society from the Perspective of Islamic Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-18.



تاریخ ارسال: ۱ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۰ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۸ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

تبیین ماهیت تمکین عام و تاثیر آن بر سلامت معنوی در جامعه از منظر حقوق اسلامی

ندا طاهری^{۱*}، مسعود راعی دهقی^۲

۱. طلبه سطح چهار، مدرسه علمیه تخصصی مجتهد امین، اصفهان، ایران.

۲. گروه حقوق و الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: neda.taheri2026@gmail.com

چکیده

سلامت معنوی یکی از مفاهیم تاثیر گذار در جوامع بشری است و توجه به آن -در کنار سلامت جسمی افراد جامعه - به عنوان یکی از ابعاد سلامت، از جمله پیشرفت‌های علم پزشکی و روانپزشکی است که در دستیابی به اهداف و رشد و تکامل انسانها نقش بسزایی ایفا میکند. بررسی ارتباط سلامت معنوی با حقوق و تکالیف زوجین و به ویژه مفهوم عام تمکین و تاثیر آن بر سلامت معنوی اجتماع، چه از حیث قلمرو تعریف و چه از حیث فلسفه وجودی آن، سبب بروز چالشهایی در جوامع دین مدار شده است. بنا بر همین مساله این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای نگارش شده و با پذیرش تعریف بین المللی از سلامت معنوی در کنار ذکر کارکردهای ویژه خانواده قرآنی، احکام شرعی و بویژه الزام زن به تمکین عام از همسر را نه تنها عامل خطر آفرین سلامت معنوی نمیداند بلکه درصدد پاسخگویی به نیاز حس اقتناع سازی جامعه زنان در داخل و خارج از ایران اسلامی پیرامون این مساله در راستای تحقق یکی از معیارهای کارآمدی نظام دینی و حمایت از حقوق زنان می‌باشد و مبانی الهی را به عنوان ابزاری در جهت توسعه سلامت جامعه جهانی معرفی می‌نماید.

کلیدواژگان: حقوق زن، زوجه، تمکین، سلامت معنوی

نحوه استناددهی: طاهری، ندا. و راعی دهقی، مسعود. (۱۴۰۵). تبیین ماهیت تمکین عام و تاثیر آن بر سلامت معنوی در جامعه از منظر حقوق اسلامی. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۴(۲)، ۱-۱۸.

به این ترتیب شبهات و چالش‌هایی در این زمینه با برخی احکام شرعی مرتبط با زوجین، شکل می‌گیرد! به عنوان مثال، کسب اجازه از شوهر جهت خروج از منزل که در معنای تمکین عام مطرح شده است و یا احکامی که در رابطه با نشوز مطرح میشود از جمله ضرب زوجه و یا موضوع ازدواج مجدد زوج که به عنوان موارد مصادیقی مد نظر گرفته شده است و گاهی در تقابل با سلامت معنوی مطرح می‌شود. لذا با نظر به تاثیر بسزایی که تمکین عام در معنای مثبت آن می‌تواند بر سلامت معنوی جامعه داشته باشد مقاله حاضر سعی دارد تا با وجه تمایز با پژوهشهای پیشین در باب دقت نظر در بر بحث تمکین و رویکرد فقهی آن به کاربردی کردن این مسئله در نهاد مقدس خانواده و تقویت و انسجام آن بپردازد تا بتوان از این راه به سلامت معنوی ابتدا در خانواده و سپس در جامعه دست یافت با این امید که در تدوین ضوابط و قوانین حمایت از خانواده نیز مورد استفاده قرار بگیرد.

مفاهیم

الف: خانواده

۱ خانواده همراه است با اصطلاحاتی که در برنامه تنظیم خانواده آمده است مثل حقوق خانواده^۲ خانواده شاد و.... خانواده هسته‌ای است که با ازدواج زن و مرد به وجود می‌آید و یک واحد اجتماعی و بلکه اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است که با یک رشته وظایف متقابل مواجه است (Asadi, 2008)

از دیدگاه روان شناسانه: خانواده نظامی نیمه بسته است که نقش ارتباطی داخلی را ایفا می‌کند و دارای اعضایی است که وضعیت‌ها و مقام‌های مختلفی در خانواده و اجتماع احراز کرده و با توجه به محتوای نقش، وضعیت‌ها، افکار و ارتباط‌های خویشاوندی-یغای وظیفه می‌کنند (Asadi, 2008).

تعریف‌های فراوانی از خانواده در معنای اصطلاحی وجود دارد که هر یک با رویکردی خاص به جنبه‌ای از موضوع خانواده نگریسته

سلامت معنوی که پایه و مبنای رشد و تعالی جامعه است به معنای برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت، حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، دیگران و حتی ارتباط با خود، اطلاق می‌شود که طی یک فرآیند پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدی شخصی، حاصل می‌آید که در دیدگاه اندیشمندانی چون هاگز و گومز نیز در پیوند با مبانی حقوقی انسان‌ها شاخصه‌هایی از سلامت معنوی ذکر شده است.

موضوع معنویت، دل مشغولی دیرینه بشریت است؛ اما بررسی نقادانه و تطبیقی معنویت در بافت جهانی و میان فرهنگی، تحول خاص قرن بیستم است. با این همه، مایه شگفتی است که بسیاری از فرهنگ‌های واژگان و دانش‌نامه‌های معاصر، با اینکه به معنویت گرای، انجمن‌های معنویت گرا، تجربه معنوی یا روش‌های معنوی اشاره می‌کنند، فاقد یک مدخل درباره معنویت به معنای واقعی کلمه‌اند که نشان می‌دهد معنویت هنوز یک قلمرو موضوعی نو پدید است. با وجود این، امروز معنویت عمومیت یافته و اکنون در مساله سلامت معنوی نقل محافل شده و در داخل و خارج ادیان همچنین در زمینه‌های بین‌الادیانی و سکولار به کار می‌رود.

تعریف سلامت معنوی در جوامعی که به دین اعتقاد دارند نیز با اشکالات فراوانی همراه است، زیرا برداشت افراد از دین یا مذهب متفاوت است و دارای طیفی وسیع می‌باشد گروهی فایده دین را فقط در حوزه فردی می‌دانند و برخی دین را تنها یک سلسله تکالیف الهی که راهنمای حیات روشن برای بشر است و گروه سوم معتقدند در هیچ حوزه‌ای نیست که انسان نیاز به هدایت اولیای الهی نداشته باشد اعم از حوزه‌ی حیات فردی و اجتماعی، در باطن و ظاهر و برای رسیدن به ارتقا و سعادت توجه به همه احکام دینی لازم است..

². Family Law

¹ Family Happiness

کامل تخلیه کامل زوجه در برابر زوج است به گونه ای که عدم نشوز زن محقق شود که در این صورت بدون هیچ خلائی نفقه بر مرد واجب میگردد.

امام خمینی (ره) فرموده اند: اگر زن از خدمات خانه و حوائج مرد که به تمتع بردن او مرتبط است، خودداری نماید نشوز محقق نمی شود؛ از قبیل جارو زدن و..... قانون مدنی فقط به نشوز زن اشاره دارد و میان تمکین خاص و عام تمایزی نمی گذارد.

تمکین عام

برای تمکین در فقه دو چهره تصویر شده است: که اولین آن تمکین عام است به این معنا که زوجه در منزلی که از طرف شوهر تعیین می شود -البته در شرایط ضمن عقد می تواند زن شرط کند و بر محل سکونت توافق شود و همان ملاک قانونگذار است- سکونت می یابد و حسن معاشرت و اخلاق نیکو در کنار اطاعت از همسر از جمله عدم خروج بدون اذن ایشان را در نظر می گیرد.

مراد از تمکین عام، قبول ریاست شوهر و محترم دانستن اراده ای او در امور خانواده اداره ای مالی و اخلاقی خانواده است که به حسن معاشرت زن و شوهر و اطاعت در امور مربوط به زناشویی تعبیر می شود (Emami, 1997).

البته اطاعت زوجه در حدود قانون و عرف و پذیرش ریاست زوج در امور خانواده، در تعریف تمکین عام مد نظر است لذا اگر شوهر توقعات نامشروع یا نامتعارف داشته باشد زوجه ملکف به اطاعت از او نیست و این عدم اطاعت مصداق عدم تمکین نیست (Safouraee Parizi, 2013).

زن در خانه نقش دو جانبه دارد. او از یک نظر دارای نقش اقتصادی است چون مدیر خانه، سرپرست و مسئول فرزندان است. کارهای خانه را با نظر و ذوق خود باید سرو سامان دهد. اداره و امر و نهی فرزندان را به عهده گیرد و در غیاب شوهر تصمیمات لازم را اتخاذ کند از سوی دیگر نقش او اطاعت اندیشیده و مشروع از شوهر است که در سایه آن زندگی خانوادگی رنگ می گیرد. حق این است

و بعدی خاص از آنرا برجسته کرده اند. تعریف خانواده به اعضا و کمیت حاضر در خانواده، به مجموعه افراد واجب النفقه، موقعیت های سازمانی، زندگی مشترک در مکان واحد، کارکردهای آن، روابط اقتصادی، روابط جنسی پایدار یا تعریف خانواده به مسئولیت های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی از جمله تعارفی است که درباره ی خانواده وجود دارد.

ب: زوجیت

واژه زوجیت مصدر جعلی از کلمه «زوج» و به معنای جفت و زوجیت به معنای جفت بودن است. مقصود از زوجیت رابطه خاصی است که از عقد ازدواج ناشی می شود بنابراین مقصود از واژه زن در عبارت حقوق مالی زن، مطلق زن نمی باشد بلکه رنی است که در نکاح دیگری باشد (Hedayat Nia, 2006).

ج: تمکین

واژه عربی، مصدر متعدی، به معنای سلطنت دادن (Tahriri, 1996). به فرمان بودن، قدرت دادن (Mo'in, 2007). راغب نیز تمکین را به معنای صاحب قدر و منزلت می داند (Raghib Isfahani, 1996). تمکین در لغت به معنای «قبول کردن و پذیرفتن فرمان کسی و نیرو و قدرت دادن» است (Amid, 1983) و در اصطلاح به دو قسم تقسیم می شود، تمکین عام و تمکین خاص.

تمکین در اصطلاح حقوق مدنی، عبارتست از اطاعت زوجه نسبت به همسرش این اطاعت اختصاص به استمتاع ندارد. پس خروج از خانه بی اذن شوهر، خروج از اطاعت شوهر است و نشوز محسوب می شود.

تمکین طبق نظر مشهور فقها عبارت از: «التمکین الکامل و هو التخلیه بینها و بینة، بحیث لا تخص موضعاً و لا وقتاً» تمکین کامل همان تخلیه زوجه است نسبت به تمام استمتاعات زوج در هر زمان و مکان. صاحب جواهر چنین می فرماید: «علی وجه به یتحقق عدم نشوزها الذی لا خلاف فی اعتبار فی وجوب الانفاق» «تمکین

تجربه میان فردی، احساس داشتن ارتباط با دیگران و داشتن اهداف مشترک با آنان بر اساس نیازی است، که افراد برای دستیابی به اهداف عمومی در محیط زندگی به آن توجه می‌کنند این ارتباط با دیگران که با حس اطمینان، احترام و گاهی «عشق» همراه می‌شود تجربه معنوی موفقی میان افراد است که حس قدرتمندی را در آن‌ها زنده می‌کند. ارتباط موفق انسان معنوی سالم در محیط اجتماعی، با ایجاد هدفمند کردن رفتارها و اعمال، شادی و نشاط و در یک کلمه برای زندگی معنا، ایجاد می‌کند و نتیجه آن پاسخ به یکی از نیازهای اساسی انسان است. در واقع هر فرد، جزئی از سایرین و در خدمت آن‌هاست به طوری که فردیت او با گروه و گروه با فردیت او معنا پیدا می‌کند و این یعنی هر چند او با اجتماع همراه است اما شخصیت فردی خود را از دست نمی‌دهد (Bagheri, 2016).

امام علی علیه السلام: «اعجز الناس من عجز عن اكتساب الاخوان و اعجز منه من ضيع من ظفر به منهم». عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوست عاجز باشد و از او عاجزتر کسی است که دوستان به دست آمده را از دست بدهد^۱

میل به آزادی و استقلال، ریشه تمام خوبی‌ها و راه صحیح رسیدن به سعادت و تکامل و مبارزه با ظلم و ستم و استبداد است. اما نباید فراموش کنیم که سوء استفاده از آزادی نیز محکوم است نباید با بهانه میل به آزادی، از اجرای قوانین الهی و اجتماعی سرپیچی نمود (امام علی علیه السلام و مباحث معنوی، ص ۵۱). امام علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام فرمود: «ولا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» «فرزندم، بنده و برده‌ی دیگری مباش چرا که خداوند تو را آزاد آفریده است» (Tamimi, 1970).

اریک فروم روان شناس آلمانی تبار، در توصیف انسان مدرن و دلایل اضطراب و آشفتگی روانی او بیان می‌دارد که انسان خود را

که در همه امور جاری سهم عقل در برابر احساس باید بیشتر باشد بنا به این نظر، جلب رضای شوهر، کسب اجازه در اعمال و رفتار، حتی صرف مال شخصی باید بر اساس توافق با شوهر و اطاعت از او باشد.

به این ترتیب قبول و پذیرش ریاست زوج برای زوجه امری درونی است و قانون و شرع تنها برای عدم انحراف در تحقق تمکین نکاتی را متذکر میشود لذا در مرحله اول اخلاق و بعد اخلاقی طرفین در چگونگی تمکین تاثیرگذار خواهد بود و از این منظر تمکین همسو با ارزش‌های اخلاقی در راستای تعالی انسانی حرکت خواهد نمود.

وجود چنین قدرت اخلاقی و روحانی در زن نه تنها مایه شکست و سقوط نیست بلکه باعث نفوذ بیشتر او در شوهر می‌شود. که موفقیت همه اعضای خانواده را به دنبال خواهد داشت.

مرحوم امام و دیگران مثل صاحب جواهر و صاحب مسالک محدوده‌ای برای اطاعت زن تعیین نکرده‌اند (Makarem, 2017).

تمکین عام و شاخصه‌های سلامت معنوی

تفسیر تمکین عام به آزادی و اراده زوجه با تبیین و طبقه‌بندی ویژگی‌ها تحت عنوان ویژگی‌های کلی‌تر سبب درک آسان‌تر ویژگی‌های جزئی‌تر می‌شود

الف: ماهیت آزادی اجتماعی و ارتباط با دیگران

از جمله ویژگی‌های انسان، وجود اختیار و اراده است که از جمله نتایج آن آزادی و خلاقیت و تعیین سرنوشت خویش است. به عبارت دیگر انسان دارای یک نیروی محرکه قوی است که در مسیر حرکت خود شخصیت خود را شکل می‌دهد او هدفی مشخص را تعیین نموده و در رسیدن به آن تلاش می‌کند به این معنا که عوامل حرکت را تقویت و موانع را برطرف می‌کند.

از جمله آثار روابط سالم همسران تعالی و تکامل یکدیگر است، چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من تزوجه فقط احرض نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقی. هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را باز یافته است پس باید نسبت به نیم دیگر تقوای الهی را رعایت کند (Majlisi, 2011).

شوپنهاور فیلسوف نامی می‌گوید: هدف از ازدواج، تکمیل یک فرد کامل از به هم ریختن خصوصیات اخلاقی متضاد است. یعنی در اغلب ازدواج‌ها معایب یک طرف به واسطه‌ی حسنات دیگری پوشیده و جبران می‌شود و از به هم پیوستن دو فرد؛ یک فرد کامل به وجود می‌آید. (شعاع کاظمی و رضایی، ۱۳۹۸: ۸) به طور کلی انسان‌ها دارای نواقصی هستند که با ازدواج در جهت تکمیل نواقص خود حرکت میکنند. در فرهنگ اسلام، خانواده حاصل ازدواج مشروع زن و مرد وسیله‌ای است برای امتناع و ارضای مشروع سائقه‌های جنسی، ایجاد صمیمت و تفاهم، تعادل و تعارض، تکمیل و تکامل و آرامش روحی و روانی انسان. امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی نقل می‌فرماید: «مَا اسْتَفَادَ امْرَأٌ فَايْدَةً بَعْدَ الْأَسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا، تُطِيعُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ».

برای مرد مسلمان پس از اسلام فایده‌ای برتر از همسر مسلمان نصیب او نشد که هرگاه به او نظر کند خوشحال شود و هرگاه به او فرمان دهد اطاعت نماید و هرگاه که او نیست مال و آبرویش را نگه دارد.

۲- نشاط و سرزندگی

بین شادی و زندگی رابطه مستقیم وجود دارد. کسی که در ظاهر و باطن شاد است. امیدواری پویایی و تفکر منطقی بر وجودش حکم فرماست. احساس مثبت، ایجاد فرصت برای دیگران و صفات پسندیده، او را در دل دیگران جا می‌دهد. سرزندگی یعنی پر انرژی بودن، شور و شوق خاص داشتن. خسته، مانده و فرسوده نبودن و نشان دهنده سلامت روان و جسم افراد است که با عزت

تنها احساس می‌کند و این احساس ناشی از این است که او برای کسب آزادی از طبیعت دوری جسته و با سایر آدمیان قطع رابطه و از آن‌ها کناره‌گیری کرده است. زمانی که او از قید دیگران آزاد شد، احساس تنهایی و بی‌پناهی نمود نخستین عمل او برای آزاد شدن از همان دوران خردسالی یعنی هنگامی که خود را از زیر فرمان مادر خلاص کرد آغاز شد و از آن پس همچنان به کوشش خود برای آزادی ادامه دهد و هر چقدر که آزادتر می‌شود خود را تنهاتر احساس می‌کند، لذا به وسایلی مجهز می‌شود تا از آزادی بیشتر فرار کند از این دیدگاه اینطور استنباط می‌شود که منظور از طبیعت، سرشت و فطرت انسان می‌باشد که انسان با فطرت خداجو خلق شده است و دور شدن و فاصله گرفتن از حس تعلق، سبب آشفته‌گی و ناهنجاری رفتاری خواهد شد و او دائماً مضطرب و نگران است.

لازم به ذکر است که در خصوص آزادی و حقوق زنان بر مردان باید جانب عرف رعایت شود و شئون زن از جهات مختلف که مورد تایید عرف است در نظر گرفته شود؛ یعنی میزان کم و کیف حقوق و آزادی‌های زن، به عرف واگذار شده است این نکته بسیار دقیقی است که جاودانگی و ژرف اندیشی اسلام را نشان می‌دهد، زیرا اجتماع و امور اجتماعی با هم تفاوت دارند. همچنین موقعیتهای زمانی و مکانی افراد متفاوت است؛ لذا ملاک عرف مشکل‌گشا است (Alami, 2011). البته با این توضیح که آزادی مطلق نیست و از هر زاویه و دیدگاهی آزادی دارای قیودی است از جمله، نظم عمومی، قانون و اخلاق حسنه.

ب: شاخصه‌های سلامت معنوی

شاخص به معنای ویژگی کلی است که ویژگی‌های جزئی‌تر را درون خود جای می‌دهد و از برجستگی و اهمیت بیشتری برخوردار است

۱- کمال طلبی

می‌فرماید: «لا تملك المراه من الامر يجاوز نفسها فان ذلک انعم لجالها و ارحی لبالها وادوم لجالها فان المراه ریحانه و لیست بقهرمانه».

فرزندم زن را بیش از حد توانایی‌اش بر کاری قرار مده زیرا به نفع زن و با حال او مناسب‌تر است و زیبایی او ادامه می‌یابد زیرا زن گل است و توان کارهای فوق توان خود را ندارد و کرامت و شخصیت او باید حفظ شود تو با کنترل اعمال و رفتار مایه عفت آنان شد از دیگران چشم‌پوشند و به خواهش‌های بی‌مورد آنان توجه نکن و اقتدار خود را حفظ کن که آنان تو را شکسته حال نبینند و در هر صورت با آنان مدارا کن و به نیکی رفتار نما که موجب صفای زندگی تو می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در موارد مختلفی به این موضوع دستور داده و سفارش فرمودند از جمله استوصوا بالنساء خیراً خیراً فانهن عوان ای اسیرات (Nasir al-Din Tusi, 1996). در مورد زنان سفارش به نیکی و نیک رفتاری کنید زیرا آنان یاوران شما در نزدتان هستند.

فان اکمل المومنین ایماناً احسنهم و خیارکم لنسائه .

کامل‌ترین مومنان از نظر ایمان نیکوکارترین آن‌ها از نظر اخلاق و بهترین آنان است در برخورد با زنانشان..

۴- رعایت مرزبندی‌ها و رازداری

تعالیم اسلام در ارتباط با، نحوه روابط اعضای خانواده با یکدیگر و افراد بیرون خانواده حدود و مرزهایی را معین کرده است. هرچه این حدود بیشتر رعایت شود کارایی اعضای خانواده و روابط آن بهتر می‌شود و خانواده زمینه رشد و تعالی آن‌ها را فراهم خواهد نمود. تعالیم اسلام وجود حدود و مرزهایی را حتی بین اعضای درون خانواده ضروری می‌داند، لذا می‌فرماید زن و شوهر باید در خانه اتاقی جدا داشته باشند و سایر اعضای خانواده در ساعت معینی از شبانه روز بدون اجازه وارد این حریم نشوند: «یا أیها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم

نفس، خودشکوفایی، برونگرایی، رضایت از زندگی و هر گونه تجربه روانی مثبت ارتباطی تنگاتنگ دارد (Bagheri, 2016).

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: بکوشید اوقات شبانه روز شما چهار ساعت باشد، ساعتی برای عبادت و مناجات با خدا؛ ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب‌هایتان آگاه سازند و در باطن به شما خلوص دارند و ساعتی را هم به تفریحات و لذت‌ها اختصاص دهید و با این بخش از زندگی، قادر خواهید بود آن سه بخش دیگر را به خوبی انجام دهید.

در قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۷۰ نیز چنین آمده: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». آن‌ها بخاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحال هستند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند (مجاهدان و شهیدان آینده)، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آن‌ها را در آن جهان می‌بینند؛ و می‌دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت (Bagheri, 2016).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی بهترین زنان فرمودند: «خیر نسائکم الطیبه الریح» بهترین زنان بوی پاکیزگی از آن‌ها استشمام می‌شود هرچند اینجا ممکن است منظور همان ظاهر کلام یعنی بوی خوش و عطر باشد اما اراده معنی مجازی یعنی اخلاق نیکو که سبب آرامش و موجب شادی روح خانواده می‌شود نیز دور از ذهن نیست.

۳- مدارا

مدارا به این معنا که به او سخت‌نگیرد اگر اشتباهی از او سر زد با کمال بزرگی از او بگذرد و سرزنش نکند بدین شکل علاقه او را افزون نموده و سعی می‌کند اشتباه نکند.

روایات در سفارش به این مهم نکات جالبی دارد امیرالمومنین علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام توصیه

مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است!»

همچنین رازداری از شروط و لوازم ایمان شمرده شده است و به افراد توصیه می‌شود که این سنت الهی را برای کمال ایمان در خود ایجاد کنند (Majlisi, 2011) در خانواده رازداری از زمینه‌های سلامت و تعادل خانواده محسوب می‌شود (Majlisi, 2011).

و قرآن زنانی که حافظ اسرار شوهران هستند مورد تمجید قرار داده و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر

مؤثر واقع نشد)، در بستر از آن‌ها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود)، آن‌ها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست).^۲

در فضای معنوی طرفین خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال رفتار و گفتارشان می‌داند در چنین فضایی سیر پرورش شخصیت افراد به سمت تکامل است و فضایل اخلاقی و انسانی را در راس قرار می‌گیرد.

به طور کل انسان‌ها سه گروهند برخی «عقل گرا» گروهی «حس گرا» و طیف دیگر «عمل گرا» هستند. برای بهبود تعامل اجتماعی و حسن معاشرت، افراد باید تفاوت‌های موجود در تفکرات و اهداف گروه دیگر را بشناسد، بپذیرد و برای آن احترام قائل شود. تفاوت بودن؛ یعنی هر کدام از زن و شوهر ویژگی‌هایی غیر از ویژگی‌های دیگری داشته باشند، در عین حال که در برخی مسائل مشترک و متفق علیه و مصلحت‌های مشترک و اهداف و آرمان‌ها و تلاش‌ها، اتفاق نظر دارند. این مطلب ضروری است که زن و مرد، زندگی مشترک را میدانی برای حذف دیگری به شمار نیاورند که به مجرد تفاوت رفتار، دیگری در برخی مسائل مستقل احساس ناراحتی کند بلکه تعدد و تنوع و تفاوت اسبابی برای پیوند به حساب آید (Fazlullah, 2014).

هدف اصلی از قانونگذاری و مرزبندی‌ها، رشد و تکامل و به عبارتی تقویت اراده، کنترل و هدایت هوس‌ها و تمایلاتی است که اگر در مسیر صحیح به کار گرفته نشود فرد و اجتماع را دچار چالش خواهد کرد. امام علی علیه السلام: افضل الناس من جاهد هواه؛ بهترین مردم کسی است که با هوای نفس مبارزه کند (همان)

۵- مثبت‌نگری و مثبت‌گرایی (ایجاد اعتماد)

خوش‌بینی را می‌توان استفاده کردن از تمام ظرفیت‌های ذهنی مثبت، نشاط انگیز امیدوار کننده در زندگی، برای تسلیم نشدن در برابر عوامل منفی ساخته ذهن و احساس‌های یاس آور ناشی از دشواری ارتباط با انسان‌ها و رویارویی با طبیعت دانست. خوش‌بین کسی است که از واقعیت رفتار دیگران، تفسیر بدبینانه به ذهن خود راه نمی‌دهد و افکار منفی و خیال بافی را از خویش دور می‌سازد مثبت اندیشی صرفاً داشتن افکار مثبت نیست بلکه معنای رویکرد و جهت‌گیری مثبت و نگاه خوشبینانه به زندگی است. خوشبینی یعنی توجه به امور مثبت و اجتناب از نکات منفی، تصور خوب از خود و دیگران و برخورد مثبت با اطرافیان به جهت اهمیت و ارزش بالای تفکر و اندیشه‌ی مثبت بر روی سلامتی و آسایش روح و روان و جامعه، مبحث مثبت اندیشی و خوش‌بینی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. خوش‌بینی از جمله نشانه‌های سلامت روانی افراد است. پیش از آنکه ذهن بشر به آثار و برکات این مسئله پی ببرد، دین مبین اسلام و پیشوایان گرامی آن، در رفتار سیره و سخنان خود، دوری از منفی‌گرایی و بدبینی و استقبال از مثبت‌نگری را گوشزد نموده و نشان داده‌اند. همسرانی که نگرش مثبتی نسبت به خود و دیگران دارند، کمتر از همسرانی که نگرش منفی دارند، دچار افسردگی می‌شوند و شادی زناشویی بیشتری را گزارش می‌کنند. بین خوشبینی و مقاومت در برابر استرس رابطه مثبت معناداری وجود دارد. افراد خوش‌بین در برابر استرس مقاوم‌تر از افراد بدبین بودند. همچنین بین خوشبینی و رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری به دست آمده و زوجین خوش‌بین از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند در متون روایی نقل شده است که حسن ظن از حسن ایمان ناشی می‌شود هرچه ایمان انسان محکم‌تر باشد و سینه‌اش از تیرگی و سیاهی سالم‌تر باشد حسن ظن او بیشتر می‌شود (Bagheri, 2016).

۶- حس ارزشمندی (احترام به حقوق یکدیگر)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آن‌ها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آن‌ها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً) تصمیم به جدایی بگیرید! چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!»

دستور اول «لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا» خود زن‌ها را به ارث نگیرید، یا اموال آن‌ها را در صورت عدم رضایت آن‌ها به ارث نبرید، زیرا با این عمل حقوق آن‌ها را پایمال می‌کنید و به خواست و اراده و رضایت آن‌ها احترام نمی‌گذارید (Beheshti, 2024).

معمولاً مرد مبلغی به عنوان مهریه، مدیون زن است یا به او پرداخت کرده یا به او پرداخت خواهد کرد و بعد از شروع زندگی مشترک برخی مردان آنچه را داده‌اند یا پس می‌گیرند و یا از دادن مهر خودداری می‌کنند، اگر این کار به رضایت زوجه باشد مشکلی نیست اما در صورت فشار و زور زوج، کار ناپسندی است که حرام است.

احترام، نگرشی است که در آن، همسران برای همدیگر احترام بسیاری قائلند و یکدیگر را ارزشمند می‌دانند و در اصیل‌ترین شکل خود به صورت توانایی گوش دادن و توجه به همسر نشان داده می‌شود و با استمرار آن از نگرش صرف فراتر می‌رود و به ارزش گذاری فعالانه و قدردانی احترام آمیز تبدیل می‌شود.

امام علی علیه السلام: «المرء بهمته» (Tamimi Amadi, 1970)

«هر کس هر اندازه در عزم و قصد مراتب عالی و فضائل برتر داشته باشد به همان اندازه مقام و ارزش دارد. هدف اصلی از رشد و تکامل و به عبارتی تقویت اراده، کنترل و هدایت هوس‌ها و تمایلاتی است که اگر در مسیر صحیح به کار گرفته نشود فرد و اجتماع را دچار چالش خواهد کرد. امام علی علیه السلام: افضل الناس من جاهد هواه؛ بهترین مردم کسی است که با هوای نفس مبارزه کند(همان).

برخی مصادیق بروز و ظهور حس ارزشمندی را میتوان در مواردی ذکر نمود مثل: ۱- خواندن همسر با نام مناسب و شایسته شأن او. ۲- سلام کردن هنگام ورود به منزل. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: وقتی شوهر به خانه وارد می‌شود باید به خانواده‌اش سلام کند و پیش از آن، کفشش را به زمین بریزد و سرفه کند تا خانواده از آمدن او با خبر شوند (Majlisi, 2011). این تحیت و اهدای سلامتی سبب آرامش زوجه می‌شود زیرا او به درستی احساس می‌کند جایگاه و شخصیت او برای زوج مورد توجه و اهمیت است. میان احساس احترام و کرامت فرد و ابتلا به انحراف‌های اخلاقی، رابطه معکوس وجود دارد و این قاعده کلی در مورد همسران بسیار قابل توجه است زیرا به همان اندازه که زوجین احترام، منزلت و ارزش یکدیگر را رعایت نمایند و از آلودگی‌ها و لغزش‌ها فاصله می‌گیرند و به نسبتی که خود را نزد همسر خود بی‌ارزش احساس کنند در وادی انحرافات گرفتار می‌شوند و نیاز خود را در بیرون از فضای خانواده جستجو می‌کنند (Hosseini, 2018).

به طور کلی روابط انسان‌ها با یکدیگر، بر پایه دو بینش متضاد استوار است: «کرامت» و «اهانت» یعنی یا بر پایه تکریم شخصیت است یا بر پایه تحقیر شخصیت. اگر انسان‌ها را موجودی با شخصیت و با عزت بدانیم، می‌کوشیم تا همیشه برای آن‌ها ارزش قائل شویم. از دیدگاه اسلام، ارتباطی سالم است که بر پایه تکریم

شخصیت و عزت نفس و احترام متقابل افراد انسانی استوار باشد روابطی که بر این اساس پایه‌گذاری شود افراد را در برابر انحرافات ایمن می‌کند (Hosseini, 2018).

امام علی علیه السلام فرمودند: «من کرمتم علیه نفسه هانت علیه شهوته» «کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد شهوات نفسانی در نظرش خوار و ناچیز می‌آید. این در حالی است که با وجود روابط ناسالم میان زوجین بر اساس تحقیر شخصیت طرفین، تفاهم و ارتباط اعضای خانواده را در حد ارتباط ظاهری و نه قلبی تنزل می‌دهد و سرانجام منتهی به ناسازگاری و فروپاشی خانواده خواهد شد.

یکی از علتهای احساس نارضایتی میان زوجین، قانون «اثر تقابل» است به این معنی که برای هر عملی عکس العملی است، اگر شما بخواهید یک قدم به جلو بروید باید یک قدم به عقب برانید و این ابتدای درگیری و ناسازگاری است و البته طبیعی است. وجود دید مالکیت، در مدیریت خانواده نیز عامل دیگری است به این شکل که اگر زوج با نظر و حس مالکیت به زوجه نگاه کند ناگزیر به کنترل و نظارت می‌شود این طبیعی است لذا احساس اسارت به طرف مقابل می‌کند و الزاماً به تقابل کشیده می‌شود.

استقبال از شوهر و بدرقه او هنگام خروج یکی از نمودهای ارزش‌گذاری و شخصیت بخشی به همسر، است؛ بر خلاف تصور عرف که ترک این عمل را به دلیل حمیت بیش از حد میان زوجین، عادی‌تر می‌دانند روانشناسان تاثیر آن در استحکام رابطه و انجام خانواده بسیار قابل توجه معرفی می‌کنند (Hosseini, 2018).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) «وظیفه زن این است که تا در خانه به پیشواز شوهر برود و به وی خوش آمد بگوید». در نظام همسرمداری اسلامی، زوجین لباس یکدیگر معرفی شده اند؛ این تعبیر بر اساس حفظ احترام متقابل و توجه به کرامت انسانی از سوی زوجین است در این محدوده، ریاست، از قبیل رابطه‌ی رئیس و مرئوس نیست بلکه هر چه هست گستره چتر

دارند. گفتار حاضر ضمن بررسی برخی موارد مطرح شده در جامعه توضیحات مقتضی را بیان می‌دارد.

۱- ایجاد محدودیت با سلب آزادی اجتماعی زوجه

مظهر کمال شخصیت هر فرد در میزان آزادی او در اراده است تا بدین وسیله کمالات وجودی خود را بروز و ظهور دهد و از همین رهگذر باید به اراده‌های افراد احترام گذاشت تا شخصیت انسانی او حفظ شود. از جمله برداشت‌های نادرست که در رابطه با ازدواج در اسلام مطرح می‌گردد محدود شدن زن و سلب آزادی‌های او پس از ازدواج است به نحوی که هر آنچه زوج اراده کند او لازم است اطاعت نماید و الا ناشزه می‌شود و از حقوق حقه خود همچون نفقه محروم می‌گردد لذا لازم است تا برای حل این چالش محدودیت‌های آزادی زن در جنبه‌های مختلف به ویژه در بعد اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

الف: اشتغال زوجه و تملیک درآمد

در احکام اقتصادی اسلامی، میان زن و مرد اختیارات و حقوق بسیاری به نحو مشترک وجود دارد به طور مثال حق مالکیت ناشی از کار و احترام و ارزشمندی کار آن‌ها تملیک و تملک معاملات و فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها در راستای تامین خانواده.

این حق اقتصادی به معنای توانایی و مطالبه‌گری و آزادی آنهاست حال سوال مطرح می‌شود که با تاهل این قوانین تغییر کرده است؟ بدون تردید ازدواج در این حقوق تاثیری ندارد و به طور ویژه اصل حق اشتغال برای زن مورد پذیرش شرع می‌باشد که در آیه ۳۲ سوره نسا بدان اشاره شده است «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا».

[امتیازات و] برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید. [این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شماست. با این حال]، مردان به سبب آنچه به دست می‌آورند نصیبی دارند، و زنان نیز نصیبی؛ [و

مودت و رحمت و حفاظت و هدایت است و همانگونه که لباس پوششی ات بر عیوب و اسرار، زن و مرد هم نسبت به یکدیگر شایسته است که اینگونه باشند. شأن دیگر لباس محافظت از سرما و گرما است این دو هم در فراز و نشیبهای زندگی و در گرمی و سردی حوادث روزگار باید حامی یکدیگر بوده و از خودنگری و منافع شخصی بپرهیزند و همچون لباس و پوششی گرانقدر و ارزشمند موجب زینت یکدیگر باشند (Mirkhani, 2001).

چالش‌های تمکین عام با سلامت معنوی زوجین و راهکارها

حقوق فردی زنان از جمله مسائلی است که در جهت رسیدن به "آزادی‌ها" مورد مطالبه گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد؛ این در حالی است که نظام حقوقی اسلام، شخصیت و جایگاه زن در خانواده و اجتماع را مورد توجه قرار داده است و ضوابطی را به ویژه برای بعد از ازدواج زن در نظر گرفته است ولی جامعه آن‌ها را محدودیت و مانع آزادی تلقی می‌کند از نظر اسلام ازدواج تنها برای بقای نسل و ارضای نیاز جنسی افراد نیست بلکه عاملی جهت رشد و کمال شخصیت انسانی امنیت و اعتماد به نفس تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و..... می‌داند لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: النکاح سستی فمن رغب عن سستی فلیس منی (ازدواج سنت من است و کسی که از آن دوری کند از من نیست). در فقه نکاح در کتاب عقود به عنوان یک قرارداد خاص مطرح می‌شود که با ایجاد رابطه زوجیت میان زوجین آثار خاصی را ایجاد می‌کند به عبارت دیگر عقد نکاح حقوق و تکالیفی برای زوجین ایجاد می‌کند که برخی به طور ویژه مختص یک طرف مثل پرداخت نفقه که مختص زوج و تمکین که مختص زوجه است و برخی از این وظایف و تکالیف مشترک میان آن دو است همچون حسن معاشرت و وفاداری. با توجه با شاخصه‌های ذکر شده در تحقق سلامت معنوی خانواده، وجود برخی احکام و دستورات اسلامی این ابهام را ایجاد می‌نماید که این دو با یکدیگر منافات

نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد]. و از فضل خدا، [برای رفع تنگناها] استمداد جوئید؛ زیرا خداوند به هر چیز داناست.

آیه اشاره به تفاوت های واقعی و طبیعی دارد و تفاوت های ساختگی که بر اثر استعمار و ظلم به وجود می آید را شامل نمی شود؛ زیرا آن ها خواست خداوند نیست و انسان می تواند آرزوی نابودی آن ها را داشته باشد (Makarem Shirazi, 2017).

فیض کاشانی عالم و مفسر شیعه در ذیل آیه آورده که زنان و مردان بهره ای از دنیا دارند که آن ها را به دست آورده اند. دیگران نیز باید تلاش کنند و با عمل، آن ها را به دست آورند، نه با آرزو کردن و حسادت (Faiz Kashani, 1995).

اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این مساله را قبول دارد و مقرر می دارد هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

همانطور که تصریح شده است جنسیت در این قانون مطرح نیست و ذکر شرایطی برای شغل مورد نظر امری طبیعی است که در همه جوامع عقل بدان معترف است. لذا ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی اشاره می کند: شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند این نکته حتی در قبل از ازدواج نیز برای زن در خانواده پدری عرفی و عقلایی است و از آنجا که تمکین خاص از حقوق خاصه نکاح است عامل محدود کننده اشتغال زن پس از ازدواج تراحم اشتغال او با حقوق زوج همچون حق استمناع می باشد.

علاوه بر اثبات حق اشتغال و مشروعیت آن نزد خداوند زنان همچون مردان حق فعالیت اقتصادی دارند و مرد در درآمد زن،

حقی ندارد تا بتواند به او امر کند که درآمدش را صرف هزینه های زندگی مشترک نمایند. او حتی در معاملات خود تحت قیومیت شوهر نیست و از سوی دیگر مجبور به تلاش و فعالیت برای کار و کسب درآمد جهت مصرف در زندگی روزمره و جاری نیست. شوهر موظف است در حدود و شئون خانوادگی و امکانات خود اداره اش کند.

در مفتاح الشرایع آمده: «لا یحل لكل من الزوجین أن یأخذ من مال الآخره شیئا الا بالاذن.» «یعنی هیچ یک از زوجین حق تصرف در مال دیگری را بدون اذن از او ندارد (Faiz Kashani, 2023).

در مورد نذر زوجه از اموال خود میان فقها اختلاف نظر وجود دارد امام (ره) نذر زن بدون اذن شوهر را باطل می داند. آیت الله امام خامنه ای مدظله نذر زن بدون اجازه شوهر در اموال خودش بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.

لذا می توان تجمیع نظر فقها را چنین بیان نمود که در امور مستحبی اذن شوهر لازم است حال این نیز در راستای همبستگی خانواده قابل توجیه و مقبول است و باز محدودیتی را ثابت نمی کند.

ب: ریاست زوج در خانواده

هر اجتماعی نیازمند مدیر و سرپرست است؛ خانواده نیز از این اصل کلی پیروی می کند. اگر خانواده از مدیریت صحیح برخوردار نباشد شیرازه امورش از هم می پاشد و نظم و انسجام آن از بین می رود. خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و همانند یک اجتماع بزرگ باید رهبر واحدی داشته باشد، که این وظیفه در اسلام به عهده مرد گذاشته شده است و فرموده است:

«الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۱ مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می

شرع جریان می‌یابد. و ثانیاً محول نمودن این وظیفه به مرد، حاکی از والایی شخصیت مرد نیست و بنابر فرموده خداوند آنچه نزد خدا مهم است و سبب ارزشمندی جایگاه انسان نسبت به سایر انسان‌ها می‌شود، تقواست (Heydari, 2006).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: قوام بودن نشانه‌ی کمال و تقرب الی الله نیست همچنان که در تمام وزارتخانه‌ها، مجامع و مراکز افرادی هستند که قوام دیگری هستند، اما این مدیریت فخر معنوی نیست تنها یک کار اجرایی است. مسائل اجتماعی، شم اعتقادی، تلاش و کوشش برای تحصیل مال، تأمین نیازمندی‌های منزل به عهده مرد است و قرآن به زن نمی‌گوید که تو تحت فرمان مرد هستی بلکه به مرد می‌گوید تو سرپرستی زن و منزل را بر عهده بگیر لذا آیه تبیین وظیفه مرد است نه اعطای وظیفه (Javadi Amoli, 2023).

به تعبیر دیگر، تفاوت جسمی و روحی مرد و زن را نمی‌توان انکار کرد، بدیهی است که این تفاوت برای ادامه‌ی نظام جامعه انسانی ضروری است و پیامدهایی در برخی از قوانین حقوقی زن و مرد ایجاد می‌کند با این حال اسلام هرگز شخصیت انسانی زن را زیر سؤال نمی‌برد و هیچ گونه تفاوتی از نظر روح انسانی در میان این دو قائل نیست. در آیه ۹۷ سوره نحل آمده: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» «هر کس عمل صالح انجام دهد، مرد باشد یا زن، در حالی که مومن است، او را به حیاتی پاک زنده

کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند.

واژه «قوام» در زبان عربی مبالغه «قیم» است و قیم به کسی گفته می‌شود که به رفع حوائج زندگی دیگری قیام می‌کند و از آنجا که هم در جامعه و هم در خانواده به واسطه‌ی نیرومندی بیشتر، مسئولیت‌های سنگین‌تری بر عهده مردان گذاشته شده است مردان قوام و قیم شده‌اند.

این مزیت برای مرد به سبب وجود ویژگی‌هایی چون برتری و قدرت تفکر او بر نیروی عاطفی و احساسات و داشتن بنیه و نیروی جسمی بیشتر جهت دفاع از حریم خانواده که به طور فطری در مرد قرار گرفته است می‌باشد؛ همچنین تعهد مرد در برابر همسر و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی، مهریه، تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزندان این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی برعهده او باشد (Heydari, 2006). بی‌تردید این برتری باید مدبرانه، حکیمانه و مشفقانه باشد نه بی‌خردانه و توأم با اجحاف و بی‌مهری. در مقابل، زن نیز با اطاعت و فرمان‌برداری از شوهر، نقش سرپرستی و مدیریتی او را بپذیرند تا تنظیم امور خانواده با مشکل روبه‌رو نشود. خدا در ادامه آیه در توصیف زنان شایسته می‌فرماید: «الصالحات قانتات حافظات الغیب بما حفظ الله» «زنان مصلح‌انهایی هستند که در مقابل شوهر، فرمانبردار و متواضعند و در غیاب همسر خود اسرار و حقوق او را در مقابل حقوق که خود برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند.

نکات مهم آیه که لازم است بدان توجه شود این است که: اولاً اینکه اعطای حق سرپرستی به مرد، مطلق نیست تا هر چه بخواهد دستور دهد و زن نیز تابع بی‌چون و چرا باشد؛ در واقع این حق جهت تنظیم امور زندگی خانوادگی است نه اینکه منشأ ظلم و زورگویی شود. لذا از موارد موفقیت این حق سرپرستی مرد، مشورت با همسر و حتی فرزندان است که در همه حال در محدوده

می‌داریم و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دهند خواهیم داد».

بنابراین انسانیت انسان، نقش اصلی در ایجاد و ابقای حیات طیبه بر پایه حاکمیت ارزش‌ها را بر عهده دارد و جنسیت عامل تعیین کننده نیست، بلکه هویت انسانی است که منشأ اثر است.

سرپرستی مرد بر خانواده از جمله وظایفی است که خداوند برای مرد در نظر گرفته است و از مهمترین کارکرهای مرد در ضمن این وظیفه، مسئولیت اقتصادی است که باید در حد متعارف و معمول جهت رفاه و آسایش زندگی خانوادگی برای آن برنامه‌ریزی نماید تا کیان خانواده را سامان و حفظ نماید.

دراندیشه دینی هر چند مسئولیت اصلی امورات اقتصادی خانواده با زوج است اما نقش زن اگر بیشتر نباشد کمتر نخواهد بود زیرا زوج و زوجه به عنوان یک کل واحد همراه و همکار یکدیگرند اما نمی‌توان به تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناختی این دو را بی‌توجه بود لذا اسلام، مدیریت داخلی منزل را به عهده زوجه می‌بیند تا در راستای ایجاد آرامش و محبت و گرمی کانون خانواده قرار گیرد.

از امور مهم در رضامندی زوجین از زندگی خانوادگی و سلامت رابطه زناشویی، تنظیم درست نقش‌ها و مسئولیت‌ها در خانواده است و احترام به جایگاه و امتیازهای مخصوص هر طرف است. اگر همسران احساس هیچ کاره بودن در خانواده داشته باشند علامت هشدار است و دیر یا زود آنان را به سوی قدرت طلبی تجاوزکارانه و نافرجام سوق می‌دهد (Heydari, 2006).

خواجه نصیرالدین طوسی، زن را شریک در اموال مرد می‌داند و یکی از دلایل ازدواج را حفظ اموال توسط وی می‌داند و او را نائب زوج در زمان غیبت می‌داند (Nasir al-Din Tusi, 1996).

سوره مجادله و نفی زورمداری از مردان

خداوند می‌فرماید: «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ»^۱ خداوند سخنان آن زنی را که به علامت شکایت و دادخواهی به خدا و رسولش پناه آورده بود و از شوهر خویش شکایت داشت را شنید و خداوند شنوا و داناست».

گستره‌ی حقوقی زن در قرآن به گونه‌ای است که چهارده قرن قبل از دورانی که به رغم انقلاب عظیم رسول الله هنوز بقایای فرهنگ جاهلی در رفتار عده‌ای، مشهود و سایه سنتهای غلط بر زندگی آنان حاکم بود، سوره‌ای از قرآن کریم به نام مجادله در دفاع از حقوق زن و رفع بیدادگری و تظلم از او نازل می‌گردد و غرامت و جریمه‌ی سنگینی را برای مردی که به خاطر غرور و خودخواهی حکم «ظهار» را بر همسر خود جاری می‌نماید، و با گفتار و رفتاری نادرست می‌خواهد او را از حقوق انسانی خویش محروم نماید، قرار می‌دهد (Mirkhani, 2001).

نتیجه‌گیری

با نظر به مباحث عنوان شده میتوان گفت که بر خلاف آنچه که مستشکلین به احکام اسلام در پی آن هستند که مفهوم تمکین عام را عامل تهدید کننده حس آزادی و ارزشمندی و عزت نفس زن معرفی نمایند. اسلام جهت تثبیت شاخصه‌های سلامت معنوی در مساله مطرح شده واریه راهکار مناسب جهت خروج از چالش تضارب آراء به تحدید حدود واقعی تمکین عام زوجه، پرداخته است، توصیه اخلاقی فقها به رعایت حسن معاشرت و در نظر گرفتن عرف جامعه بدون تعصب و سختگیری و آزار و اذیت یکدیگر به طور منطقی در راستای صمیمیت خانواده می‌باشد لذا زوجین می‌توانند در موارد خاصی که نیاز به اذن زوج وجود دارد همچون خروج از کشور یا حتی اشتغال در شغل مشخص، در شروط ضمن عقد آن را مستند و دارای ضمانت اجرا نمایند و این از منظر شرعی هیچ ایرادی ندارد.

تصرف در اموال خود و دیگران را خواهد داشت و در مساله سپردن ریاست خانواده هم به مرد تاکیدات، تمهیدات و حتی تهدیداتی وجود دارد که او را بر صراط مستقیم و مرز عدالت قرار دهد و آنان را به معاشرت احسن و بر حذر بودن از هر گونه اضرار و تعدی، فرا می خواند و بر سازش بر اساس معروف، و رفتار شایسته نسبت به بندگان خدا که به سبب همسری و فرزندى در کفالت او هستند، تأکید و سفارش فراوان می نماید. درنگرش توحیدی و اعتماد به خداوندی که خود خالق و آگاه به همه جوانب مخلوق خود است نیز این مطلب اینگونه عنوان میشود احکام، تابع مصالح و مفسد است خدای حکیم بدون رعایت مصالح، امور خانواده را به مرد واگذار نمی کند و در تقسیم بندی وظایف پدر در کانون خانه و خانواده پیوسته در جایگاه نوعی قضاوت و شهادت است، بنابراین بیش از هر که به رعایت عدالت و تقوا سزاوارتر می باشد و از سویی چون ریشه های عدالت اجتماعی در خانواده شکل می گیرد والدین در ترسیم و تحکیم بنای عدالت بیشترین نقش را در نظام تربیتی دارند. و همچنین از مفاهیم بسیاری از آیات تأکید بر این دادگستری ملموس است. لذا مرد حق حاکمیت دارد ولی حق تحکّم ندارد و در حاکمیت نه تنها بایستی رعایت عدالت نماید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concept of spiritual health has increasingly gained recognition as a vital dimension of human well-being, alongside physical, mental, and social health. Its significance lies in creating a sense of belonging, positive emotions, mutual

چنانچه مخاطب انبیاء و قرآن، آنجا که سخن از ارزش ها و کمالات است، جان آدمی است نه پیکر او، لذا خطاب به صورت «یاایها الناس» «یا بنی آدم» و «یا ایها الذین آمنوا» می باشد.

مضمون برخی روایات نیز بیان کننده این نکته است که معیار کلی برای طرز برخورد و نحوه ی معاشرت با دیگران، همان نفس خود باشد و همچنین از آنچه که گفته شد معلوم میگردد در اسلام آزادی به معنای اجرای احکام به نحو عقلایی است و در پی آن است که انسان مطیع غرایز حیوانی خود نباشد، چون آزادی در مقابل بردگی است و آزاد کسی است که پیرو حکم فطرت و عقل باشد نه تسلیم نفس و شهوت. در حقیقت می توان گفت فلسفه جعل تکالیف الهی رهایی از قیدهای بشریست نه محدودیتی برای آزادی.

البته این هم که در برخی از روایات دیده می شود که زن بدون اذن شوهر حق تصدیق، عتق و نذر در مال خود ندارد، بحقیقت دلیلی بر حرمت این عمل نیست بلکه می خواهد زن را جهت دهد که از تجربه و نظر شوهر در امور مختلف استفاده کند و مال و داراییش را از هدر رفتن حفظ نماید در واقع این نهی تنزیهی است و نوعی کراهت است علت کراهت هم این است که زن در اسلام به مناسبت نوع معاشرت و روابطش با دیگران و عدم شرکت در امور اقتصادی و مسائل جاری اقتصادی ممکن است بی تجربه باشد پس عقلاً بر او لازم است که از اجتهاد و استنباط شوهر در این زمینه بهره برد.

در بحث حق تصرف در اموال شخصی در معاملات نیز آنچه فقه شیعه بدان پایبند است صلاحیت و اهلیت بهره بردن و استفاده نمودن اهلیت تمتع و استیفا است لذا زوجه با رعایت مصالح شخصی و خانوادگی در صورت داشتن اهلیت همچون زوج حق

connection with transcendental power, others, and oneself, achieved through a dynamic cognitive, affective, and behavioral process. In societies with religious orientations, however, defining spiritual health is complicated by the variety of interpretations of religion. Some perceive religion as a purely private matter,

while others view it as a set of divine obligations that guide every aspect of human life. This divergence in perspectives has resulted in controversies, especially when spiritual health is assessed in relation to family law and obligations of spouses. One critical area of debate arises around the concept of *tamkin-e 'aam* (general obedience), which refers to the wife's acceptance of the husband's role as head of the household, including respect for his decisions regarding family matters, moral conduct, and financial management. Critics of Islamic legal rulings have often interpreted *tamkin* as a restriction on women's freedom and, consequently, as a threat to their spiritual well-being. Yet, the present study, adopting a descriptive-analytical approach, aims to demonstrate that general obedience, properly understood within its ethical and religious context, should not be considered a risk factor. Instead, it can promote harmony in family life and contribute to broader social and spiritual health, provided that its scope is delineated in alignment with Qur'anic values and the jurisprudential interpretations that stress fairness, mutual respect, and proper conduct within marriage (Asadi, 2008; Hedayat Nia, 2006; Tahriri, 1996).

Central to this inquiry is a comprehensive exploration of the family as a fundamental social institution. The family is not only a nucleus created through marriage but also the primary arena in which reciprocal duties are manifested. From a psychological perspective, it functions as a semi-closed system in which members occupy distinct roles and statuses, shaping interactions through kinship and emotional bonds (Asadi, 2008). Marriage (*zawjiyyat*) is more than a contract: it produces an enduring bond that carries unique rights and responsibilities, particularly in relation to financial obligations and conjugal rights (Hedayat Nia, 2006). The concept of *tamkin* itself, linguistically

associated with authority, empowerment, and acceptance, is interpreted in jurisprudence in two dimensions: specific (*tamkin-e khass*) and general (*tamkin-e 'aam*) (Amid, 1983; Mo'in, 2007; Raghieb Isfahani, 1996). The latter, which is the focus of this article, involves the wife's residence in the husband's household, her positive social and moral conduct, and respect for his leadership in family matters (Emami, 1997). However, jurisprudential authorities also emphasize that such obedience must be framed by law and social norms, not by arbitrary or illegitimate demands (Safouraee Parizi, 2013). This interpretive nuance challenges the reductionist view that portrays *tamkin* as submission devoid of agency. Rather, the acceptance of the husband's authority should be seen as a relational ethic grounded in mutual responsibilities, ethical conduct, and recognition of each partner's dignity (Makarem Shirazi, 2017).

Linking *tamkin-e 'aam* to spiritual health requires a careful analysis of the key indicators of the latter, such as perfection-seeking, vitality, patience, boundary-respect, optimism, and mutual appreciation. Each of these indicators can be traced to both scriptural teachings and psychological theories of well-being. For instance, perfection-seeking is embedded in Islamic teachings, as highlighted in the Prophet's assertion that marriage constitutes half of one's faith, reinforcing the idea that conjugal life contributes to moral and spiritual growth (Majlisi, 2011). Similarly, vitality and joy are central to human flourishing and are affirmed in Qur'anic passages and narrations that stress moderation between worship, social interaction, work, and leisure (Bagheri, 2016). Patience and tolerance, emphasized by Imam Ali and other religious figures, are presented as essential for marital resilience (Nasir al-Din Tusi, 1996). Likewise, respect for boundaries and confidentiality strengthens family integrity and enhances trust, thereby fostering

an environment conducive to spiritual well-being (Majlisi, 2011). Positive attitudes and mutual respect, further underscored in Qur'anic injunctions against coercion in marital life, reinforce the value of considering the wife's autonomy and dignity (Beheshti, 2024; Hosseini, 2018). These dimensions collectively illustrate how *tamkin*, if understood as ethical cooperation rather than coercion, aligns with the very foundations of spiritual health and human dignity (Mirkhani, 2001).

Nonetheless, tensions persist between legal formulations of *tamkin* and contemporary interpretations of women's rights. The most common challenge raised is the perception that general obedience restricts women's freedom, particularly in relation to mobility and employment. While Islamic jurisprudence acknowledges the husband's right to restrict his wife's engagement in certain activities if they undermine family welfare or contradict shared obligations, it equally affirms the woman's inherent right to work, own property, and manage her income independently (Faiz Kashani, 1995, 2023; Makarem Shirazi, 2017). This balance is also echoed in Iran's constitutional law, which protects women's freedom to pursue professions within the limits of Islamic principles. Similarly, jurisprudence emphasizes that men's headship over the family is not an absolute right but a functional role tied to responsibilities, including financial provision and protection (Heydari, 2006). This perspective is supported by interpretations from leading scholars who underscore that *qiwamah* (male headship) is not a marker of spiritual superiority but a pragmatic division of responsibilities, ensuring order and stability within the family (Javadi Amoli, 2023). As such, general obedience does not negate women's autonomy; rather, it frames their participation within a relational structure

oriented toward harmony, justice, and shared accountability.

The theological and ethical underpinnings of *tamkin* further demonstrate that it was never intended as an instrument of domination. Rather, it reflects a moral framework where rights and obligations are balanced by compassion, consultation, and mutual respect. Religious texts repeatedly call on men to act with fairness and benevolence, warning against oppression and advocating for just conduct. The Qur'an itself dedicates verses, such as those in Surah al-Mujadilah, to defend women's rights against unjust customs, highlighting that even in patriarchal contexts, divine law sought to protect women from harm (Mirkhani, 2001). Furthermore, Islamic ethics situate freedom within the bounds of responsibility, framing liberty not as unrestrained autonomy but as alignment with reason, virtue, and divine order (Alami, 2011; Tamimi Amadi, 1970). From this angle, *tamkin-e 'aam* is not an infringement upon spiritual health but a mechanism through which order, responsibility, and mutual support are cultivated. Thus, when integrated with the broader goals of spiritual health—such as fostering resilience, optimism, and a sense of purpose—it becomes clear that the proper implementation of *tamkin* can contribute positively to personal and social well-being rather than undermine it (Bagheri, 2016; Fazlullah, 2014).

In conclusion, this extended abstract has sought to illuminate the conceptual and jurisprudential intersections between *tamkin-e 'aam* and spiritual health, arguing that criticisms of general obedience as inherently oppressive often stem from misinterpretations divorced from their ethical and religious context. When properly understood, *tamkin* emerges not as a threat to women's dignity or autonomy, but as part of a moral framework that fosters mutual respect, shared responsibility, and spiritual growth within the

family and society. Far from diminishing spiritual health, it can, when implemented alongside Qur'anic injunctions for justice, compassion, and consultation, enhance it, providing a foundation for social cohesion and moral development. This reinterpretation not only addresses the concerns of contemporary women in Muslim societies but also highlights the universal potential of divine principles to contribute to the advancement of human well-being across cultures.

References

- Alami, A. (2011). *The family in the light of the Quran and Hadith*. Qom: Khodadadi Publishing.
- Amid, H. (1983). *Amid Persian Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publishing.
- Asadi, H. (2008). *Family and its rights*. Mashhad: Behnashr (Astan Quds Razavi).
- Bagheri, H. (2016). *The model of tranquility in Islamic ethics and new spiritualities*. Office of the Representative of the Supreme Leader.
- Beheshti, A. (2024). *The family in the Quran*. Tehran: Book Garden.
- Emami, S. H. (1997). *Civil law* (Vol. 4). Tehran: Islamic Publishing.
- Faiz Kashani, M. H. B. M. (1995). *Tafsir al-Safi* (Vol. 1). Tehran: Maktab al-Sadr.
- Faiz Kashani, M. H. B. M. (2023). *Mafatih al-Sharai* (Vol. 2). Qom: 1st ed. Aytollah Marashi Najafi Library.
- Fazlullah, M. H. (2014). *Islam, women, and a new discourse*. Qom: Book Garden.
- Hedayat Nia, F. (2006). *Financial rights of the wife*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Heydari, M. (2006). *Religiosity and family satisfaction*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Hosseini, D. (2018). *Healthy relationships in the family*. Tehran: Book Garden.
- Javadi Amoli, A. (2023). *Women in the Mirror of Majesty and Beauty*. Isara Publishing.
- Majlisi, M. B. (2011). *Bihar al-Anwar* (Vol. 103). Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Makarem Shirazi, N. (2017). *Tafsir Nomune* (Vol. 3). Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Mirkhani, I. S. (2001). *A new approach to family relationships*. Safir-e Sobhi.
- Mo'in, M. (2007). *Mo'in Dictionary*. Tehran: Behzad.
- Nasir al-Din Tusi, M. B. M. (1996). *Akhlagh Nasiri*. Tehran: Islamic Scientific Publishing.
- Raghib Isfahani, H. B. M. (1996). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Egypt: Mustafa al-Bali al-Halabi Publishing House.
- Safourae Parizi, M. M. (2013). Characteristics of an efficient family from an Islamic perspective and the construction of its questionnaire. *Islamic Studies Journal for Women*, 1(1).
- Tahriri, F. D. M. (1996). *Majma al-Bahrain and Matla al-Badrain* (Vol. 2). Tehran: Mortazavi Publishing.
- Tamimi Amadi, A. (1970). *Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalam* (Vol. 2). Dar al-Kitab al-Islami.